



یکی مثل ما

ضمیمه نوجوان

شماره ۵۹ ■ ۲۰ خرداد ۱۴۰۰

نوجوانان  
جامع



عطیه ضرابی

امام حسین (ع) می‌رفتم و سرباز کشورم می‌شدم تا مادرهای زیادی بتوانند با امنیت فرزندان شان را بزرگ کنند. این هم یک نگاه متفاوت بود.

ویژگی‌های دختر بودن سوال دومم بود. سارا با همان نگاه معنوی و متفاوتش می‌گوید دختر برکت خانه است. درست است پر از ناز است و ظریف اما در عین حال روح قدرتمندی دارد. زینب بهرامی اما ویژگی‌های فردی را جدای از جنسیت می‌داند و می‌گوید تفاوتی بین دختر و پسر وجود ندارد و هرکس خصوصیات منحصر به فرد خودش را دارد. ملک لو هم کلیشه‌های تفاوت دختر و پسر را قبول ندارد. این‌که دختر حساس است و از نگاه پسرها نمی‌تواند شجاع باشد را کاملاً اشتباه می‌داند. زهرا این توانمندی در دختر را که می‌تواند بیرون از خانه یک فرد موفق در زمینه‌های مختلف باشد و در خانه باعث دلگرمی خانواده یک ویژگی خاص می‌داند. زینب سادات ویژگی خاص دخترها را ظرافت و صبر نسبت به مردها می‌داند و الحق هم که اگر ما خواهرهای صبور نباشیم، که می‌خواهد این برادرهای حرص دربار را تحمل کند؟!

سوال سومی که به ذهنم رسیده بود را می‌فرستم. نگاه جامعه نسبت به دختران چطور است؟ مطهره از نگاه‌های جنسیتی یا حتی ابزاری که جامعه دارد و به دید یک قشر ضعیف به دختر نگاه می‌کند، گله مند است.

اما جواب متفاوت و به نوعی درست را «کشفی» می‌دهد. به نظر او در حال حاضر دخترها آزادی بیشتری در جامعه نسبت به قبل دارند و راحت‌تر می‌توانند فعالیت کنند. «پریا» هم نظری مشابه با کشفی دارد. می‌گوید متأسفانه نگاه برابری جنسیتی با آقایان اشتباهی است که خیلی از ما دخترها فکر می‌کنیم درست است و در جامعه باب شده. به نظر زهرا گل نراقی هم نگاه جامعه دیگر نسبت به دختر نگاه کوزت در خانه نیست و الان دختر رادر عرصه‌های مختلف همان قدر تاثیرگذار و توانمند می‌دانند که پسر را. خلاصه که از نظر بچه‌ها با تمام کاستی‌ها پرچم دخترها بالاست.

من سوالات زیادی درباره دختر بودن و فانتزی‌ها و علائقش پرسیدم. حتی درباره این که تا اسم پاستیل می‌آید همه یاد ما دخترها و علاقه شدیدمان به این خوراکی محبوب می‌افتد و درباره رنگ صورتی که دیگر علاقه همه‌گیر در دختران نیست و زمانه عوض شده است.

نتیجه گفت‌وگو جالب بود. با این‌که بچه‌ها چه در عقاید و باور و چه در پوشش حسابی با هم متفاوتند اما ته حرف‌هایشان گاهی یکی در می‌آمد و شاید منظور همه بچه‌ها در پایان گفت‌وگو این بود: ما را همانی که هستیم ببینید!

یک گزارش میدانی مجازی کوتاه درباره کلیشه‌های دختر بودن

## ما کوزت نیستیم!

امسال اولین سالی بود که در عین ناباوری خبر روز جهانی پسر در فضای مجازی دست به دست چرخید. تا پارسال از این خبرها نبود و پسر روز دختر که مصادف است با میلاد حضرت معصومه (س) به نام ما دخترها بود و پس. با خودم گفتم حتما باید بروم دنبال یک سوژه خوب و یک دختر توانمند بگردم که احتمالا با سن کم در حرفه خودش حرف اول را می‌زند اما به ذهنم رسید بنشینم پای حرف‌های عادی و همیشگی همین دخترهای مثلاً معمولی که هرکدام در آینده قرار است اتفاقات بزرگی را رقم بزنند.

تجربه گزارش میدانی و جواب‌های متفاوت گرفتن از یک سوال مشترک برای من همیشه جذاب بوده است. حتی اگر این گزارش میدانی از راه دور و به شکل مجازی باشد! سوال اولی که به ذهنم می‌رسد را تایپ و برایشان فورواردمی‌کنم.

«اگر پسر بودی؛ الان چیکار می‌کردی؟ اصلاً دختر بودن رو دوست داری؟» می‌دانم از آن سوالاتی است که هر روز همه ما دخترها به آن فکر می‌کنیم و اتفاقاً ته دل مان یک «ای کاش می‌شد» هم گاهی می‌گذرد.

مطهره قلی‌زاده سروندی که روی پسوندش هم خیلی حساس است اولین جواب را می‌فرستد:

اگر پسر بودم مسلماً در حیطه هنر و موسیقی پیش می‌رفتم. رشته‌ای که متأسفانه بیشتر بخش‌های مربوط به آن به دلیل شرایطی، برای ما دخترها چندان مناسب نیست. با این حال بله، من از دختر بودنم راضی هستم و به آن افتخار می‌کنم. علی‌رغم تبعیض‌ها، تلاش‌م را می‌کنم که به بهترین‌ها دست پیدا کنم.

زینب سادات کشفی دومین نفر است و آرزویش آرزوی خیلی‌هاست. دلش می‌خواهد زمان رفت و آمدهایش به خانه به اختیار خودش باشد و ته دلش هم اتفاقاً می‌گوید

که کاش پسر بود. اما پریا خداوردی می‌گوید چون خانواده برایش محدودیت خاصی نگذاشته‌اند اتفاقاً از دختر بودنش به شدت راضی است و هر چیزی که معقول باشد را می‌تواند انجام دهد اما اگر پسر بود سال کنکور را زیادی جدی نمی‌گرفت و بیشتر تفریحات بیرون از خانه داشت و خلاصه در رفت‌وآمد از آزادی بیشتری برخوردار بود.

این‌که آدم عاشق جنسیتش باشد هم چیز عجیبی است اما مهنوش ملک‌لو می‌گوید عاشق دختر بودنش است و به نظرش جنسیت یک فاکتور سطحی است که نمی‌تواند آدم‌ها را زیر و رو کند و مهم این است قلب آدم از چه جنس باشد. ایستاده برای این جمله کف بزیند.

زهرا گل نراقی یکی دیگر از دخترانی است که سراغش رفته‌ام و اتفاقاً کوتاه به سوالم جواب می‌دهد:

بله، دختر بودنم را دوست دارم اما اگر پسر بودم احتمالا در زورخانه‌ها باید پیدایم می‌کردید. به قول اهالی فضای مجازی «لات بمیری پهلوان!»

زینب بهرامی اما با توپ پر می‌گوید اگر در جای دیگری از دنیا بود احتمالاً راحت‌تر زندگی می‌کرد اما دختر بودن در کشور خودمان به نظرش سخت است و دلش می‌خواهد اگر پسر بود خیابان ولیعصر تا تجریش را سربالایی برود. ندای درونی‌ام می‌گوید: چه کاریه خسته میشی!

این وسط یکی هم بود که بابت دختر بودنش خدا را شکر کرد. سارا الیاسی را می‌گویم. البته می‌گوید پسرها در جامعه و عرف آزادی بیشتری دارند اما من خدا را شکر می‌کنم که یک روز قرار است به یک کودک روح ببخشم و مادر باشم گرچه که اگر پسر هم بودم احتمالا به دانشگاه



## تغییرات دخترانه

در حال حاضر حدود یک چهارم جمعیت کشورمان را جوانان و نوجوانان تشکیل می‌دهند؛ یعنی بازه سنی ۱۵ تا ۳۰ سال. در این بازه، مهم‌ترین اتفاقی که همه نوجوانان از جمله دختران تجربه می‌کنند، بحران بلوغ است. اما چرا از بلوغ به عنوان بحران یاد می‌کنیم؟ چون در این بازه، افراد همراه با تغییرات هورمونی که در بدن شان اتفاق می‌افتد، تغییرات پرسرعت و گسترده‌ای را در جسم و روح‌شان احساس می‌کنند. در مورد دختران، این تغییرات در چهار زمینه اتفاق می‌افتد: جسمانی، روانی، عقلی و اجتماعی.

تغییرات جسمانی که شاید اولین مرحله بلوغ باشد با سلسله مراتب خاصی آغاز می‌شود و رشد سریع و تغییراتی در بدن اتفاق می‌افتد. دومین تغییر، تغییر روانی است، به این معنی که نوجوان در این سن دارای رویاها و ایده‌آل‌هایی می‌شود که بعضاً با توجه به محدودیت‌های خانواده، جامعه و زندگی‌اش غیرقابل دسترسی‌اند. همین مساله باعث ایجاد عواطفی مانند خشم، هراس و ناامیدی در نوجوان می‌شود. از لحاظ

عقلی، دختران در این سن رشد قابل توجهی می‌کنند و صاحب نظر و رای می‌شوند. از نظر اجتماعی مهم‌ترین اتفاق این دوران، مساله بحران هویت است. نوجوان می‌خواهد جایگاه خود را در اجتماع و به خصوص گروه همسالانش پیدا کند و در روابط عاطفی و اجتماعی بسیار قوی عمل می‌کند.

گرچه این تغییرات به خودی خود بسیار طبیعی و حتی ضروری است اما مدیریت نشدن آنها می‌تواند به آسیب‌هایی در سنین نوجوانی منجر شود. برای مثال اگر کشش به جنس مخالف به علت تغییرات هورمونی در این سن به روابط ناسالم منتهی شود می‌تواند آسیب‌های روحی، خانوادگی، تحصیلی و اجتماعی زیادی در پی داشته باشد یا عدم کنترل صحیح رویاها و هیجانات ممکن است در مواقعی به افسردگی و اضطراب و در موارد دیگر به بزهکاری اجتماعی منجر شود.

مهم‌ترین توصیه در این دوران به خانواده‌ها کمک به تقویت عزت نفس و اعتماد به نفس در نوجوان‌شان است، به طوری که او احساس ارزشمندی و هویت کند تا نیازی نداشته باشد هویت خود را در تخیلاتش بسازد یا احساس ارزشمند بودن را در روابط غلط جست‌وجو کند.



با تشکر ویژه از دکتر حامد رضا راسخ‌احمدی